

روش‌شناسی تحلیل موقعیتی؛ رویکردی چندرشته‌ای برای شناخت پدیده‌های پیچیده

زهرا زیدآبادی^۱، فاطمه زیدآبادی^۲، سیف اله فضل الهی قمشی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۳ گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه طلوع مهر، قم، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

با افزایش پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و سازمانی در قرن بیست و یکم، نیاز به رویکردهای پژوهشی جامع و چندرشته‌ای که بتوانند این پیچیدگی‌ها را به‌طور عمیق و همه‌جانبه بررسی کنند، بیش از پیش احساس می‌شود. این مقاله با هدف معرفی و تبیین «تحلیل موقعیتی» به عنوان یک روش پژوهش کیفی پیشرفته، به ویژه با رویکرد نظریه داده‌بنیاد کلارک، به بررسی توانایی‌های آن در شناخت پدیده‌های پیچیده می‌پردازد. تحلیل موقعیتی فراتر از تمرکز صرف بر کنشگران انسانی، مؤلفه‌های غیرانسانی، گفتمانی، تاریخی، نمادین، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فضایی و زمانی را نیز در نظر می‌گیرد و روابط متقابل آن‌ها را در یک "موقعیت" خاص به تصویر می‌کشد. این روش با استفاده از ابزارهای بصری مانند نقشه‌های موقعیتی، نقشه‌های جهان‌های اجتماعی/عرصه‌ها و نقشه‌های وضعیت، امکان تحلیل جامع و شالوده‌شکنانه پدیده‌ها را فراهم می‌کند. در این مقاله، ضمن تبیین مبانی نظری و مراحل اجرایی تحلیل موقعیتی، کاربردهای آن در حوزه‌هایی مانند همکاری‌های بین مدرسه‌ای و شناخت یادگیری موقعیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ظرفیت‌های چندرشته‌ای این رویکرد برای پژوهش در پدیده‌های پیچیده برجسته شود.

واژه‌های کلیدی: تحلیل موقعیتی، رویکرد چندرشته‌ای، پدیده‌های پیچیده، روش پژوهش کیفی، نظریه داده‌بنیاد.

مقدمه

روش تحلیل موقعیتی^۱ به عنوان یکی از رویکردهای کلیدی و چندبعدی در فهم و بررسی پدیده‌های پیچیده در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فناوری و محیطی، طی دهه‌های گذشته دستخوش تحولات چشمگیری شده است. «تحلیل موقعیتی» در فارسی، معادل واژه انگلیسی «Situational Analysis» می‌باشد. این واژه نوعی پرده برداری از شیوه‌های نوین برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی و رفتاری است. خواه متنی باشد یا غیر متنی، وجه تسمیه و تمایز واژگانی این شیوه تحلیل، تمرکز بر کاربرد نظریه‌ی زمینه‌ای در امتداد با چرخش پست مدرن عنوان شده است. پژوهش تحلیل موقعیتی، درصدد است نظریه‌ی زمینه‌ای را برای موقعیت‌های «سیال»، «شناور»، «مبهم» و «چند بعدی» پست مدرن به کار گیرد (کلارک، ۲۰۰۵).

این روش با تکیه بر بررسی تغییرات و الگوهای زمانی، امکان درک عمیق‌تر از گذشته و پیش‌بینی دقیق‌تر آینده را فراهم می‌آورد. مروری بر سیر تاریخی این رویکرد نشان می‌دهد که از نخستین کاربردهای آن در تحلیل‌های نظامی و استراتژیک در دهه ۱۹۳۰ میلادی، تا گسترش در پژوهش‌های شهری، مدیریتی و فناوری در دهه‌های اخیر، دامنه و پیچیدگی موضوعات مورد مطالعه به طور پیوسته افزایش یافته است. بر اساس شواهد تاریخی، تحلیل موقعیتی ابتدا در چارچوب‌هایی محدود و با تمرکز بر داده‌های کمی و رویدادهای مشخص به کار گرفته می‌شد. اما به مرور زمان، با پیشرفت علوم رایانه، نظریه‌های اجتماعی نوین و توسعه مدل‌های شبیه‌سازی، این روش به ابزاری پرکاربرد و کارآمد در طیف متنوعی از حوزه‌ها بدل شد. بررسی روند تکامل این متد، نشان می‌دهد که تحلیل موقعیتی نه تنها به عنوان ابزاری پژوهشی در مطالعات آکادمیک، بلکه به منزله رویکردی عملیاتی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی شهری، مدیریت بحران، آینده پژوهی و تحلیل سیستم‌های پیچیده جایگاهی ویژه پیدا کرده است. این تغییرات تاریخی حاکی از آن است که تحلیل موقعیتی از چارچوب‌های بسته و تخصصی به مدلی چندرشته‌ای و بین رشته‌ای ارتقاء یافته است که اکنون با بهره‌گیری از داده‌های بزرگ^۲، مدلسازی پویا و روش‌های پیشرفته تحلیل، قادر است دیدگاه‌های چندبعدی و پیش‌نگرانه ارائه دهد. مطالعه روند تحول این روش نه تنها به درک بهتر ویژگی‌ها و ظرفیت‌های آن کمک می‌کند، بلکه امکان طراحی مدل‌های تحلیلی کارآمدتر و متناسب با پیچیدگی‌های دنیای معاصر را فراهم می‌آورد (انصاری زاده، فضل الهی، ۱۳۹۹).

^۱ Situational Analysis

^۲ Big Data



شک

شکل ۱. تلخیصی از پیوستار تاریخی روش تحلیل موقعیتی

اساس تحلیل موقعیتی مبتنی بر نظریه‌ی زمینه‌بنیاد است. نظریه‌ی زمینه‌بنیاد در قالب دو رویکرد اساسی بنا شده است. رویکرد گلاسری که به عنوان یک رویکرد تجربی تعریف می‌شود و ریشه در تفکر انتقادی – عقلایی دارد و رویکرد اشتراوسی که به عنوان یک رویکرد عمل‌گرا تعریف می‌شود که ریشه در تفکر عمل‌گرایانه و کنش متقابل‌گرایانه داشته و در آن محور طبقه‌بندی می‌شود (خنifer، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۶).

«تحلیل موقعیت، نظریه زمینه‌ای پس از چرخش پسامدرن» نگاهی به جهان‌های اجتماعی و «نگره‌ی تفسیری» و «پارادایم مفسر» دارد.

اساس تفکر موقعیتی به اندیشه‌های جورج هربرت مید^۳ در کنش متقابل‌گرایی نمادین که در آن شکل‌گیری شخصیت و کنش اجتماعی از طریق نمادهایی صورت می‌گیرد که معنی آن‌ها در کنش متقابل روزمره «باز تولید»، «تأیید» و «منتقل» می‌شود. کارل پوپر، فیلسوف اتریشی الاصل مقیم انگلیس، آن‌چه را که با عنوان «منطق موقعیت»^۴ یا «تحلیل موقعیت» معرفی کرده است، به منزله‌ی یک ابزار روش‌شناسانه برای علوم اجتماعی و انسانی در نظر گرفته است.

هربرت بلومر^۵ (۱۹۷۳) به مبحث موقعیت پرداخت و موقعیت را به مثابه‌ی لحظه‌ای تعریف می‌کند که مردم معنی مشترک نمادها را در کنشی متقابل تولید می‌کنند. اما، به رغم اهمیت دیدگاه‌های مید و بلومر در زمینه‌ی موقعیت، کلارک^۶ (۲۰۰۵) بنیان تحلیل موقعیتی خود را بر اساس تعریف اشتراوس بنیاد می‌گذارد، بلومر فقط فرایندهای سطح خرد را در نظر می‌گیرد، اشتراوس به پدیده‌های سطح کلان علاقه دارد.

^۳ George Herbert Mead

^۴ Situational Logic

^۵ Herbert Blumer

^۶ Clarkc

اشتراوس تحلیل این امر را بسیار مهم می‌داند که «چگونه ساختارهای اجتماعی در شرایطی عمل می‌کنند که فرایندهای اجتماعی تحت/ از طریق/ روی/ در/ پیرامون/ درون آن‌ها رخ می‌دهند» (کلارک، ۲۰۰۵: ۴۰).

کلارک «برخگی‌ها»^۷، وضعیت مندی^۸، در آمیختگی‌ها^۹، ظرفیت^{۱۰}، بی‌ثباتی‌ها، بی‌قاعدگی‌ها، تعارض‌ها، ناهماهنگی‌ها^{۱۱}،

موقعیت‌مندی^{۱۲}، و چند پارگی – پیچیدگی‌ها^{۱۳}» تاکید می‌کند و می‌خواهد در تحلیل موقعیتی به آن‌ها بپردازد.

کلارک در تحلیل موقعیتی خود بر کنش گران انسانی و عاملان غیر انسانی تمرکز می‌کند.

کلارک با توسل به نظریه ی کنش‌گر – شبکه به ویژه این فرض بنیادین آن که نشانه‌ها و مادیت باید به صورت نظام مند تحلیل شوند و هم کنش‌گران انسانی و هم عاملان غیر انسانی نقش عاملیتی دارند، تلاش می‌کند در نقشه‌های گوگل موقعیتی خود موقعیت را به عنوان محمل تحلیل در نظر بگیرد و در آن همه ی عناصر غیر انسانی از جمله فن‌آوری‌ها، زیرساخت‌های مادی، اطلاعات و شناخت تخصصی، اشیای مادی، عناصر فضایی و گفتمان‌های مرتبط تاریخی، روایتی، یا دیداری و نیز عناصر انسانی از جمله افراد کلیدی، گروه‌ها و سازمان‌ها، عناصر اقتصادی یا سیاسی نظیر دولت، احزاب، سازمان‌ها، نهادها، عناصر زمانی و مباحث و مسائل مورد نظر در موقعیت را جای دهد و در این راستا بر کیفیت‌ها و ویژگی‌های روابط و نحوه ی تولید و باز تولید عناصر انسانی و غیر انسانی توسط همدیگر تمرکز می‌کند و توجه به آن‌ها در یک نقشه ی موقعیتی را الزامی می‌داند (خنifer، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۷).

معرفی روش پژوهش «تحلیل موقعیتی»

تحلیل موقعیتی نوعی تحلیل کیفی پدیده‌های اجتماعی اعم از متنی یا متن‌واره‌ای (غیرمتنی) است (مانند معماری و طبیعت و ...) که در آن با استفاده از نظریه‌ی زمینه بنیاد مدلی در خصوص ماهیت موقعیت یا میدان طراحی می‌گردد تا به وسیله یا از طریق آن از پدیده، ساخت زدایی شود یا دست کم ناهمگن‌ها، پیچیدگی‌ها، تعارض‌ها، و غیره در موقعیت در کنار هم قرار گیرند و ارتباط آن‌ها در قالب مدل مورد نظر باهم مشخص شود. از اصول نظریه ی زمینه بنیاد برای تحلیل موقعیت‌های انعطاف پذیر، موقتی و گذرا، سیال و شناور، مبهم و چند بعدی جهان پس‌نوین استفاده نماید و با ارائه ی نقشه های گوناگون ماهیت پدیده یا رخداد مورد نظر را آشکار نماید (خنifer، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۹). از آن جا که ذهن انسان توانایی ترکیب و انتظام داده های منتج از مطالعات فراوان را ندارد، به ناچار باید از روشی استفاده کرد که با به کارگیری الگوی علمی رایج، این وظیفه را انجام دهد. در این روش که به نام "فرا تحلیل" موسوم شده است، روش های مختلف اندازه گیری و آماری به کار برده می‌شود (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۲۸۷). در این روش به زعم کلارک تحلیل موقعیتی از دل روش زمینه ای متولد

^۷ Partialities

^۸ Positionalitics

^۹ Complications

^{۱۰} Tenvousness

^{۱۱} Heterogeneities

^{۱۲} Situatedness

^{۱۳} Fragmentation - Compelexites

شده است بدین معنا که روش نظریه زمینه ای که در سال های اخیر به طور فزاینده ای مورد توجه پژوهش گران رشته های مختلف و از جمله نظام های علمی مرتبط با محیط «انسان ساخت» قرار گرفته است. یکی از نسخه ها و خوانش های متعدد نظریه زمینه ای تحلیل موقعیت است که خود به صورت یک « روش پژوهش کیفی مستقل » درآمده است. روش تحلیل موقعیتی با لحاظ پیچیدگی ها، مؤلفه ها و کنش گران گوناگون، توجه به رویکردهای جدید و عاملین ناپیدا و خاموش، و با توجه به موقعیت به عنوان واحد تحلیل می تواند مسیری جدید برای پژوهش های مختلف حتی در میان رشته ای ها بگشاید (بابائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷).

از نظریه ی زمینه ای تا تحلیل موقعیت

نظریه ی زمینه ای روشی است که به دنبال ساخت نظریه در مورد موضوعات حائز اهمیت در زندگی مردم است. این کار به وسیله یک فرایند گردآوری داده ها انجام می شود که اغلب دارای ماهیت استقرایی است، از آن روی که هیچ ایده از پیش تعیین شده ای برای تأیید یا ابطال ندارد. در عوض، موضوعات مهم برای مشارکت کنندگان در پژوهش از خلال داستان هایی که درباره ی قلمرو مورد نظر میلز که همان حوزه ی مورد مطالعه ی پژوهش گر است ظهور می یابند (بونر و فرانسیس^{۱۴}، ۲۰۰۶: ۳-۲).

رویکردهای مختلف به نظریه ی زمینه ای را حداقل در هفت نگرش می توان دسته بندی کرد:

- ۱- رویکرد کلاسیک گلیزر^{۱۵}؛
- ۲- رویکرد سیستماتیک اشتراوس و کوربین^{۱۶}؛
- ۳- رویکرد برساخت گرای چارماز^{۱۷}؛
- ۴- رویکرد تحلیل موقعیت کلارک^{۱۸}؛
- ۵- رویکرد تحلیل ابعاد شاتزمن^{۱۹}؛
- ۶- رویکرد نظریه ی زمینه ای مطلع از تورنبرگ^{۲۰}؛
- ۷- رویکرد نظریه ی زمینه ای چندگانه گولدکول و کرونهولم^{۲۱} (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۰).

^{۱۴} Mills, Bonner & Francis

^{۱۵} Glaser, ۱۹۹۸, ۲۰۰۱, ۲۰۰۷

^{۱۶} Strauss & Corbin, ۱۹۹۰; Strauss, ۱۹۹۳

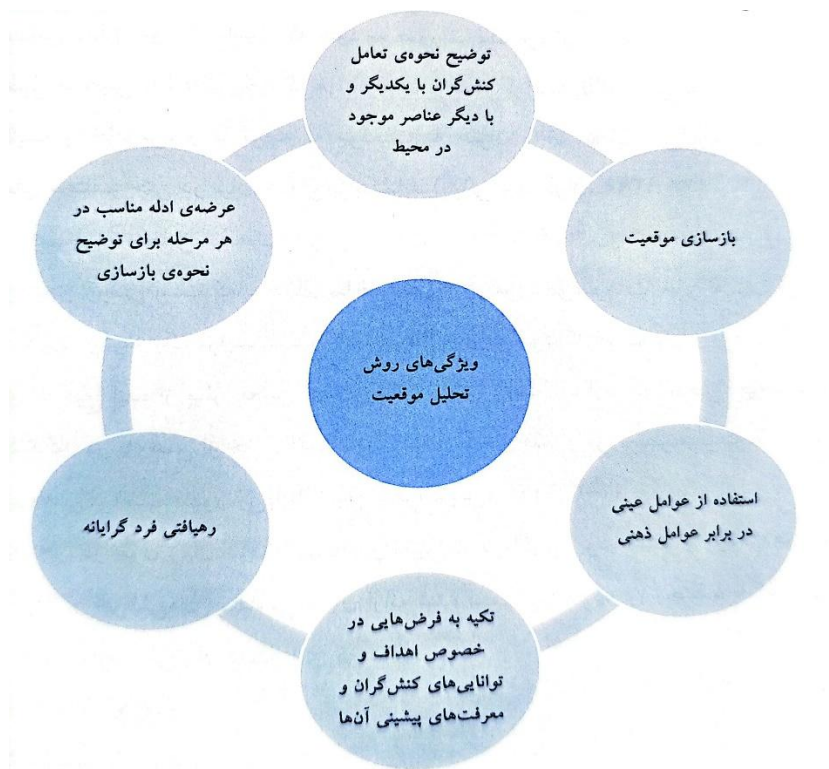
^{۱۷} Charmaz, ۲۰۰۰, ۲۰۰۶

^{۱۸} Clarke, ۲۰۰۵, ۲۰۰۷, ۲۰۱۵

^{۱۹} Schatzman, ۱۹۹۱

^{۲۰} Thornberg, ۲۰۱۲

^{۲۱} Goldkuhi & Cronholm, ۲۰۱۰

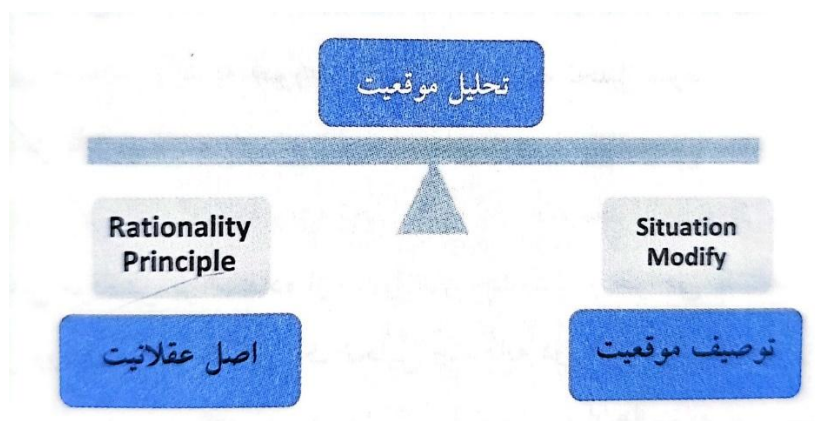


شکل ۲. ویژگی‌های روش تحلیل موقعیتی

اصول تحلیل موقعیتی

- ✓ همه‌ی منابع شناخت، موقعیت‌مند هستند و به صورت هم زمان شناخت‌های گوناگونی را می‌توان مشاهده کرد. برای تحلیل باید به موقعیت پدیده‌ی مورد بررسی توجه شود.
 - ✓ در فرایند تحلیل، باید به در آمیختگی‌ها، بی‌ثباتی‌ها، بی‌قاعدگی‌ها، تعارض‌ها، ناهمگنی‌ها، چند پارگی‌ها، و پیچیدگی‌ها توجه شود.
 - ✓ مفهوم‌ها و امور حساس باید به صورت بسنده و یکپارچه تحلیل شوند.
 - ✓ در فرایند تحلیل باید از نقشه‌های گوناگون استفاده کرد.
 - ✓ استفاده از تحلیل‌های گوناگون به ویژه تحلیل‌های گفتمان، محتوا، و روایتی.
- در واقع، در تحلیل موقعیتی بر استفاده از تحلیل‌های چندگانه و طراحی نقشه‌های تحلیلی گوناگون تأکید می‌شود و از این رو، آن را به مثابه‌ی یک تحلیل چندگانه در نظر می‌گیرند (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۱). در واقع، کلارک به این دلیل استفاده از نقشه‌ها را مطرح می‌کند که پژوهش‌گر با توسل به آن‌ها بتواند موقعیت و پدیده را به صورت ژرف‌تر و حتی متفاوت‌تر از سایر تفسیرگران تفسیر نماید (کلارک، ۲۰۰۵).

ارکان اصلی روش شناسی تحلیل موقعیتی



شکل ۳. ارکان اصلی روش شناسی تحلیل موقعیت

۱ - اصل عقلانیت

می توان از آن با عنوان اصل « رواداری در قبال کنش های دیگران » نیز یاد کرد، به تحلیل گر تأکید می کند همه ی کوشش خود را به خرج دهد تا تحلیلی عقلانی از رفتارهای کنش گران ارائه دهد.

۲- توصیف موقعیت

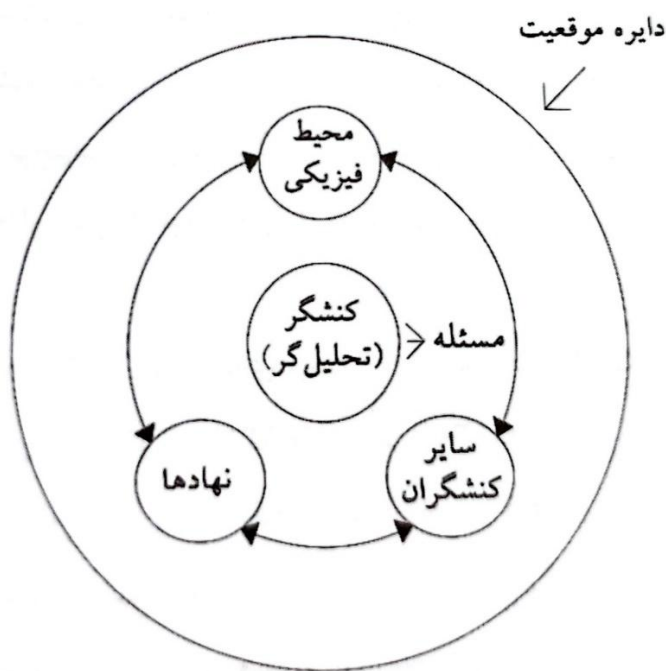
محیط فیزیکی و اجتماعی، موقعیت یا مسئله ای است که کنش گر با آن روبه رو است و سعی در حل آن دارد . مسئله ای که شخص با آن درگیر است، متشکل است از شماری از کنش گران، نهادهای برساخته اجتماعی و هستارهای^{۲۲} طبیعی که در قالب نظریه ها، قواعد و مقررات مطرح می شود . این الگو دارای جنبه ای هرمنوتیکی نیز است. یعنی در یک تراز از تحلیل ، مسائل آن گونه باید تفسیر شود که بر کنش گر ظاهر شده است.

تحلیلگر با اسناد هدف به کنش گر و فرض حد معینی از دانسته ها و نیز توصیف شرایط فیزیکی و اجتماعی، تا حد امکان الگویی را برای بررسی رفتار کنش گر ایجاد می کند که در آن کنش گر به « فرد کلی » مبدل شود.

عناصر موقعیت

بر اساس الگوی کلی تبیین منطق موقعیت، هر " موقعیت " متشکل است از شماری از نهادها و موسسات برساخته اجتماعی و هستارهای طبیعی، محیط فیزیکی، کنش گران، و کنش گری که هدف ارزیابی و تبیین رفتار او در موقعیت مورد نظر و در ارتباط با دیگر عناصر موجود در موقعیت است. همه عناصری که در موقعیت ها تعریف می شوند می توانند به عنوان « فرصت » یا « تهدید و عامل تزاخم » جلوه گر شوند. از آن جا که شرایط تا اندازه ای متشکل از مسائل، نظریه ها و اندیشه هاست و همه ی این امور پدیدارهایی از سنخ حیث های التفاتی به شمار می آیند، فهم این قبیل پدیدارها، آن گونه که به وسیله ی کنش گر درک می شوند بخشی از وظیفه ی توصیف شرایط در مدل تحلیل موقعیت است (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۴).

هستار یا هستومند یعنی آنچه که از هستی بهره برده است و دارای موجودیت است.^{۲۲}



شکل ۴. الگوی کلی تبیین منطق موقعیت

تحلیل گری که از مدل منطق موقعیت بهره می‌گیرد می‌باید در هر مرحله ادله‌ی مناسب برای توضیح نحوه‌ی بازسازی خود عرضه کند. به عنوان مثال تعیین «مرز» موقعیتی که تحلیل گر قصد ارزیابی آن را دارد نیازمند اقامه‌ی دلیل است. حسن این شیوه آن است که در هر مقطع و به ازای هر نوع تحلیلی که تحلیل گر بر مبنای فرض‌های خود در خصوص میزان تاثیر عوامل و نیز اهداف و توانایی‌های کنشگران ارائه می‌کند، تحلیل گران دیگر می‌توانند به نحو عینی و با ارائه‌ی دلایل یا بینه‌های قدرتمندتر به نقد و تصحیح یافته‌های عرضه شده بپردازند و تحلیل از موقعیت مورد نظر را دقیق‌تر کند (پایا، ۱۳۸۵: ۲).

وجه تمایز روش تحلیل موقعیتی با سایر روش‌های پژوهش کیفی

تحلیل موقعیت به رغم این که ریشه در نظریه‌ی زمینه‌ای دارد، تمایزات بنیادینی با این روش دارد از جمله نظریه‌ی زمینه‌ای متعارف در پی چارچوب بندی عمل است، این ویژگی در زیر ساخت مفهومی آن یعنی «فرایند اجتماعی پایه» آشکار است.

جدول ۱. مقایسه ویژگی های تحلیل موقعیت با سایر روش های پژوهش های کیفی (بابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹).

تحلیل موقعیت	نظریه ی زمینه ای متعارف	تحلیل گفتمان	پدیدارشناسی	
جدایی ناپذیری جنبه های هستی شناسانه و معرفت شناسانه: آنچه می تواند شناخته شود و چگونگی شناخت آن غیر قابل تفکیک هستند	نظریه با بررسی مفهوم هایی که در داده ها بنیاد دارند کشف می شود	دانش و معنا به واسطه ی تعامل با گفتمان های متعدد خلق می شود	یک واقعیت درک شده در جهان خارج وجود دارد که دارای ویژگی های مشترکی است	فلسفه
داستان بزرگ و خبر بزرگ در خصوص موقعیت و موضوع مورد بررسی را صورت بندی می نماید	یک نظریه توضیحی در خصوص فرایند اجتماعی پایه به دست می دهد	در پی درک این مسئله است که مردم چگونه از زبان برای خلق و ارائه هویت ها و فعالیت ها استفاده می نمایند	معنای تجارب زیسته هر پدیده را توصیف می نماید	هدف
این پروژه در کجای جهان قرار دارد؟ چرا مهم است؟ در این موقعیت چه خبر است؟	فرایند اجتماعی پایه چگونه در بستر مورد نظر رخ می دهد؟	گفتمان ها چگونه استفاده می شوند و چگونه از زبان برای خلق و ارائه هویت ها و فعالیت ها استفاده می نمایند؟	تجربه زیسته (پدیده ی مورد بررسی) کدام است؟	صورت بندی پرسش تحقیق
از تمامی عاملان، کنش گران، گفتمان ها و مؤلفه های انسانی و غیر انسانی دخیل در موقعیت شامل مؤلفه های ضمنی دخیل	از کسانی که پدیده ی مورد بررسی را در شرایط گوناگون تجربه کرده اند	از آن هایی که در یک یا بیش از یکی از گفتمان های مورد نظر حضور داشته و درگیرند	از کسانی که پدیده ی مورد نظر را تجربه کرده اند	نمونه گیری
نقشه موقعیت (نسخه های منظم و ساخت نیافته)؛ نقشه ی رابطه؛ نقشه ی عرصه ها / جهان های اجتماعی؛ نقشه ی وضعیت	کدگذاری باز، محوری و گزینشی: بررسی مفهوم ها در راستای ویژگی ها و ابعادشان؛ توسعه یک چارچوب مفهومی که مفهوم ها را حول یک مقوله هسته یکپارچه نماید	بررسی می شود که چگونه با نگاه دقیق به واژگان می توان به درک نائل شد. توجه به این که داستان چگونه تعریف می شود و کدام هویت ها، فعالیت ها، ارتباطات و معانی مشترک به وسیله زبان خلق می شود	شناسایی توصیف های مربوط به پدیده؛ خوشه بندی آن ها ذیل مقوله های مجزا؛ این مقوله ها همراه با هم ماهیت یا هسته مشترک و ساختار تجربه را توصیف می نماید	روش های تحلیل
دیدگاه های پژوهش گر به طور شفاف بیان می شود و یکی از منابع اصلی برای ترسیم نقشه های مختلف و تحلیلی است	پژوهش گر دیدگاه های خود را در پرازنز می گذارد	پژوهش گر جایگاه خود را در گفتمان (ها) مورد بررسی قرار می دهد	پژوهش گر دیدگاه های خود را در پرازنز می گذارد	نقش دیدگاه های تحلیل گر
خلق نظریه بر اساس درکی جدید از موقعیت در گسترده ترین حالت آن	خلق نظریه بر مبنای دامنه ای از تجارب مشارکت کنندگان	توصیف زبان مورد استفاده؛ شناخت این مسئله که گفتمان های مختلف چگونه هویت ها، ارتباطات و کالاهای اجتماعی را شکل می دهند	تفسیری موضوعی از ماهیت و ساختار تجربه ی زیسته	محصول

نظریه ی زمینه ای متعارف در پی آسان سازی و همگون سازی است، اما «تحلیل موقعیت» بر گوناگونی ها و یا تفاوت ها تأکید دارد و در پی آن است تا بتواند دیدگاه هایی را که پیش از این حاشیه ای تلقی می شدند، روشن نماید. همچنین نظریه ی زمینه ای متعارف بر مولفه های انسانی متمرکز است، اما تحلیل موقعیت علاوه بر توجه به عاملان و کنش گران غیر انسانی، کنش گران و یا عاملان ضمنی دخیل را نیز مورد توجه قرار می دهد و بدین وسیله عاملان ضعیف تر و پیامدهای اقدامات دیگران بر آن ها را بررسی می کند و موضوعات مرتبط با ساخت های گفتمانی عاملان و کنش گران غیر انسانی را مورد مذاقه قرار می دهد (خنیفه، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۶).



مراحل انجام پژوهش با استفاده از روش «تحلیل موقعیتی»

۱ - طراحی پژوهش «تحلیل موقعیتی»

فرایند تحلیل موقعیتی مبتنی بر ابعاد چندگانه‌ی موقعیت کنش است و تلاش می‌شود در آن عناصر انسانی (کنش‌گران) و غیر انسانی (عاملان) در موقعیت کنش مطرح شوند و با نقشه‌های گوناگون ادراک تسهیل شود.

- انتخاب موضوع پژوهش «تحلیل موقعیتی» و بیان مسئله

روش‌شناسی منطق موقعیت با در نظر گرفتن پیوستگی میان علوم مختلف و نیز پیوستگی میان فهم و تبیین، و با توجه به وجود عنصر حیث التفاتی در عرصه‌ی علوم انسانی و اجتماعی امکان می‌دهد تا با کارآمدی هر چه تمام‌تر به فهم و تبیین رفتار کنش‌گران در عرصه تعاملات اجتماعی بپردازد.

- بیان اهداف و سئوالات پژوهش «تحلیل موقعیتی»

پرسش‌هایی را که تحلیل گر مد نظر قرار می‌دهد:

*کنش گر چه کسی است؟

*آیا یک فرد است یا یک گروه؟

*اگر یک گروه یا جمع، به چه نحو اثر خود را ظاهر می‌سازد یا به حرکت می‌آید؟

*اگر کنش‌گری وجود ندارد، آثاری که توصیف می‌کنیم به چه نحو ظاهر می‌شوند؟

*موقعیت کنش‌گر در کدام ظرف و زمینه در نظر گرفته شده؟ آیا این ظرف و زمینه با کنش‌ها و استراتژی‌های کنش‌گر و

نتایج خواسته و ناخواسته ناشی از افعال و کنش‌های او تناسب دارد؟

*تا چه حد افعال فردی کنش‌گر محصول ساختار است و تا چه حد ساختار محصول نقش فرد است؟

*آزادی عمل فرد تا چه حد به وسیله ساختارها محدود می‌شود؟

• انتخاب طرح پژوهش «تحلیل موقعیتی» و توجیه آن

در تحلیل موقعیتی می‌توان از روش‌های گوناگون تحلیل‌های کیفی از جمله تحلیل‌های گفتمان، گفت و گو، روایتی، محتوای کیفی، مضمونی، نشانه‌شناختی، و هرمنوتیک استفاده کرد.

• تمرکز بر یک قلمرو ویژه، جامعه و ویژگی‌های مورد مطالعه در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

به طور کلی می‌توان گفت موقعیت، یک رخداد محدود شده‌ای است که مقوله‌ها، افراد، چیزها، و غیره در آن ساخته و بازسازی می‌شوند. از نظر کلارک (۲۰۰۵)، موقعیت همان موقعیت کنش است که توسط ابعاد و عناصر چندگانه‌ی انسانی و غیر انسانی محاط است.

• نمونه‌گیری از افراد، رفتارها یا وقایع در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

اساس روش موقعیتی، «نمونه‌گیری هدفمند و قضاوتی» است.

۲. گردآوری داده‌ها در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

• تعیین نحوه مشارکت پژوهش‌گر در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

وظیفه‌ی مهم تحلیل‌گر علوم انسانی و اجتماعی، ارزیابی نتایج ناخواسته حاصل از کنش‌های کنش‌گران و تعامل آنان در موقعیت‌هاست. لذا نقش پژوهشگر فعال است و نقش آزمودنی وابسته و مورد تحلیل است. مدل تحلیل موقعیت در عین حال دارای یک جنبه‌ی تفسیری یا هرمنوتیکی نیز هست.

• تعیین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

داده‌های تحلیل موقعیتی می‌توانند به صورت متن نوشتاری باشند یا می‌توانند به صورت گفتاری، دیداری، و غیره باشند.

• آماده‌سازی ابزار و گردآوری اطلاعات در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

مدلی را برای بررسی رفتار کنش‌گر فراهم می‌آورد که در آن کنش‌گر به یک فرد کلی مبدل می‌شود و بنابراین تبیین رفتار او معادل تبیین مجموعه‌ی وسیعی از رویدادهایی است که با آن دارای شباهت ساختاری هستند.

• بازنگری اسناد و رونویسی در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

در صورتی که داده‌های تحلیل موقعیتی به صورت گفتاری، دیداری و غیره باشند، باید به صورت دقیق و با توجه به موقعیت پیاده‌سازی شوند.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

پس از انتخاب و پیاده‌سازی متن و تعریف موقعیت کنش، لازم است عناصر اعم از انسانی و غیرانسانی مشخص شوند.

تحلیل عناصر موقعیتی با تحلیل‌های کیفی متناسب

در تحلیل موقعیتی، ضمن به کارگیری مولفه‌هایی از نظریه‌ی زمینه‌بنیاد برای بررسی موقعیت‌های سیال و گذرا، برای تحلیل با استفاده از روش تحلیل کیفی مناسب استفاده و سپس تحلیل‌ها انجام شده و پژوهش‌گر پس از رسیدن به عناصر لازم برای نقشه‌ریزی، نقشه‌های تحلیل موقعیتی را ترسیم و تفسیر می‌نماید.

۴. ارائه نتایج، تهیه گزارش و ارزیابی پژوهش «تحلیل موقعیتی»

- نوشتن یافته‌ها و تجزیه و تحلیل در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

طراحی نقشه‌های موقعیتی

هدف از طراحی نقشه‌های موقعیتی، تعریف انواع عناصر انسانی و غیر انسانی موجود در موقعیت مورد نظر و توصیف نگارشی سریع هرآن‌چه را که رخ می‌دهد، است.

در واقع، تولید نقشه‌های موقعیتی به نوعی به طوفان مغزی کمک می‌کند و پژوهش‌گر هر آن‌چه که در خصوص کنش‌گر و کنش و موقعیت کنش وجود دارد به صورت به هم ریخته و نامنظم به روی کاغذ می‌ریزد. کلارک تاکید می‌کند که در این مرحله نباید معنی نمادین این عناصر فراموش شوند. تا در گذر زمان حساسیت نظری ایجاد شود و فرایند پژوهش شفاف‌تر شود. نسخه‌ی مرتب شده‌ی این نقشه در قالب جدول ارائه می‌شود (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۲). به نظر کلارک، پژوهش‌گر می‌تواند وارد مرحله‌ی تحلیل رابطه‌ای شود.

«در واقع، یک عنصر در مرکز قرار می‌گیرد و خط‌هایی بین آن و سایر عناصر رسم می‌گردد و ماهیت این رابطه با توصیف ماهیت آن خط مشخص می‌شود. این کار به صورت نظام‌مند انجام می‌گیرد، البته در هر زمان یک عنصر در نقشه‌ی مورد نظر به عنصری دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد» (کلارک، ۲۰۰۵: ۱۰۲).

تحلیل عاطفی ابزار بسیار مهمی برای کلارک است، چون نشان می‌دهد که جهان‌مندی (هاراوی، ۲۰۰۳) به دلیل خود سازماندهی تک‌تک عناصر رخ نمی‌دهد، بلکه به هم بافتگی عناصر فردی است که موجب سیالیت می‌شود. همچنین، به نهاده‌ی بلومر شبیه است که معنی نماد به صورت همیشگی (باز) تولید می‌شود؛ هیچ چیز برای همیشه تمام و بسته نمی‌شود، اما در کنش‌های متقابل روزمره باز شکل دهی می‌شود.

علاوه بر این، هاراوی و رویکرد‌های کنش‌گر، مادیت نهادها را در نظر می‌گیرند.

طراحی نقشه‌های جهان‌ها / عرصه‌های اجتماعی

هر عرصه‌ی اجتماعی چند جهان اجتماعی را شامل می‌شود و هر جهان اجتماعی مشتمل بر مجموعه‌ای از افراد یا کنش‌گران می‌شود که با یکدیگر عمل یا کنش می‌کنند یا این که در گفتمان مشابهی مشارکت دارند.

برای طراحی نقشه‌ی جهان یا عرصه‌های اجتماعی، تلاش می‌کند برداشت و درک جامعه‌شناختی جمعی از آن داشته باشد و کار خود را با طرح این پرسش‌ها شروع می‌کند:

*الگوهای تعهد جمعی چیست اند و چه جهان‌های اجتماعی بارزی در اینجا عمل می‌کنند؟

*تحلیل گر باید روشن نماید که کدام جهان و خرده جهان‌ها یا بخش‌های اجتماعی در یک عرصه ی خاص با هم قرار می‌گیرند و چرا؟

*چه فن آوری‌های غیرانسانی قدیمی‌تر و جدیدتر یا نو ظهوراند و عاملان غیرانسانی دیگر مشخصه ی کدام جهان هستند؟ ویژگی‌های آن‌ها چیست؟

* آن‌ها چه محدودیت‌ها، فرصت‌ها، و منابعی را در آن جهان فراهم می‌آورند (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۳).

نقشه‌های جهان‌ها / عرصه‌های اجتماعی به پژوهش‌گر کمک می‌کنند ادعاهایی را در خصوص کنش‌های متقابل و روابط قدرت مطرح کند و کنش گرانی را در کار جای دهد که ممکن است دیدگاه‌های دیگری داشته باشند. اما، فایده ی اساسی نقشه‌های جهان‌ها / عرصه‌های اجتماعی این است که موقعیت را انتزاعی تر می‌کنند و آن را در حوزه ی گسترده تر مورد نظر قرار می‌دهد.

طراحی نقشه‌های وضعیتی

نقشه‌های موقعیتی و جهان‌ها / عرصه‌های اجتماعی به تعریف عناصر و جمع‌های موجود در موقعیت کمک می‌کنند و نقشه‌های وضعیتی به درک و بازتابش وضعیت‌های دیدگاهی و گفتمانی ایجاد شده درون موقعیت یاری می‌رسانند.

• نوشتن نتیجه‌گیری‌ها و مفاهیم در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

واژه ی «موقعیت» یکی از کلیدی ترین مفاهیم در «تحلیل موقعیت» و «نتیجه‌گیری» است.

کلارک در پاسخ به این پرسش که موقعیت چیست، بیان می‌کند «مولفه‌ها، خارج از پدیده ی مورد بررسی تصور نشوند بلکه بخشی از آن به شمار آیند...». چگونگی چارچوب بندی پروژه توسط پژوهش گر، موقعیت مورد مطالعه، داده‌هایی که باید گردآوری شوند و تحلیل را چارچوب بندی می‌کند... (کلارک و کِلر، ۱۴:۲۰۱۹).

• تهیه ی پیش نویس، پرداخت متن و انتشار در پژوهش «تحلیل موقعیتی»

نسخه ی پیش نویس به مثابه نقشه ای است که شامل تمام مولفه‌های انسانی، غیر انسانی مادی و نمادین، گفتمانی و ... مربوط به «یک موقعیت خاص» است و این متن و پیش نویس به گونه ای باید تهیه شود که توسط افراد درون موقعیت و توسط پژوهش گر چارچوب بندی شده باشد.

• ارزیابی کیفیت پژوهش «تحلیل موقعیتی»

می‌توان با تمهیداتی درجه کفایت و سودمندی به مراتب افزایش داد. از جمله این تمهیدات بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که به تحلیل گر کمک می‌کند تا به شیوه ی موثرتری فرایند عمل کنش‌گر در یک ظرف موقعیت و شرایط خاص را تبیین کند.

مزایا و محدودیت‌های تحلیل موقعیتی

تحلیل موقعیتی به عنوان یک رویکرد چندرشته‌ای، مزایای قابل توجهی برای پژوهش در پدیده‌های پیچیده دارد:

* جامعیت تحلیل: این روش به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا مجموعه‌ای از عوامل انسانی و غیرانسانی را در کنار هم و در ارتباط متقابل بررسی کند، که منجر به درک عمیق‌تری از پدیده‌ها می‌شود.

* بصری‌سازی پیچیدگی‌ها: استفاده از نقشه‌ها، ابزاری قدرتمند برای تجسم روابط پیچیده و «آشفته‌گی‌های» موجود در یک موقعیت است.

- * تمرکز بر گفتمان و قدرت: این روش به آشکارسازی تاکتیک‌های قدرت و کردارهای گفتمانی نهفته در موقعیت کمک می‌کند.
- * انعطاف‌پذیری و پویایی: تحلیل موقعیتی به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا تغییر و پویایی را در موقعیت‌های اجتماعی در نظر بگیرند.
- * ارائه بینش‌های عملی: نتایج حاصل از تحلیل موقعیتی، پیامدهای کاربردی برای اعضای جامعه پژوهش و سیاست‌گذاران به همراه دارد.
- با این حال، مانند هر روش دیگری، تحلیل موقعیتی نیز دارای محدودیت‌هایی است:
- * پیچیدگی روش: اجرای تحلیل موقعیتی به دلیل جامعیت و نیاز به تحلیل لایه‌های متعدد، می‌تواند زمان‌بر و پیچیده باشد و نیاز به مهارت بالای پژوهشگر دارد.
- * موضوعیت پژوهشگر: با وجود تلاش برای افزایش اعتبار، تفسیر نهایی موقعیت تا حدودی به دیدگاه پژوهشگر بستگی دارد.
- * نیاز به داده‌های غنی: برای ترسیم نقشه‌های جامع و استخراج بینش‌های عمیق، جمع‌آوری داده‌های کیفی غنی و متنوع ضروری است (شیربیگی، نادری، ۱۴۰۲).

انتقادات وارده به روش پژوهش (تحلیل موقعیتی)

- (۱) این مدل به دلیل تکیه بر فردگرایی به نحو (فرو کاهشی تحویل گرایانه) است و به این اعتبار نمی‌تواند به عنوان یک مدل کارآمد تبیین، نقش نهادها و ساختارها و سنت‌ها و تاثیر آنها را بر افراد توضیح دهد.
- (۲) ز این واقعیت که کنشگر دلایل اقدام کننده برای عمل در اختیار دارد منطقاً نتیجه نمی‌شود که کنشگر به واقع و به ضرورت اقدام به عمل می‌کند. به این ترتیب به نظر می‌رسد که الگوی تبیین منطق موقعیت با نوعی مشکل دوگانه مواجه است. به این معنی که یا باید به نتیجه نامطلوب تعیین و جبر در افعال کنشگران تن دهد و یا اذعان کند که میان اجزای مدل تحلیل موقعیت و کنش کنشگران هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.
- (۳) انتقاد دیگری که درباره کفایت مدل تحلیل موقعیت مطرح می‌شود راجع به مسئله تبیین‌های علمی در برابر تبیین‌های دلیلی در حوزه علوم اجتماعی است.
- (۴) در خصوص اصل عقلانیت چند پرسش را می‌توان مطرح ساخت: نخست آنکه مضمون دقیق این اصل چیست و آیا محتوای اطلاع بخشی از آن به دست می‌آید؟ دیگران که آیا این اسب یک اصل متافیزیکی است یا اصل تجربی یا روش‌شناسانه یا یک اصل منطقی (همان گویی) است؟ سوم آنکه تفاوت میان اصل عقلانیت با عقلانیت به معنای یک رهیافت و رویکرد چیست؟
- (۵) متدولوژی پیشنهادی پوپر برای حوزه علوم انسانی و اجتماعی با متدولوژی که او در آغاز برای جداسازی علوم تجربی از آنچه که غیر علمی نامیده بود، سازگار نیست (پایا، ۱۳۸۵: ۱۳).

نتیجه‌گیری

«تحلیل موقعیتی» به عنوان یک روش پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، رویکردی قدرتمند و چندرشته‌ای برای شناخت پدیده‌های پیچیده در حوزه‌های مختلف، از جمله نظام‌های آموزشی، ارائه می‌دهد. این روش با تمرکز بر «موقعیت» به عنوان واحد اصلی تحلیل و با استفاده از ابزارهای بصری (نقشه‌های موقعیتی، جهان‌های

اجتماعی/عرصه‌ها، و وضعیت)، پژوهشگران را قادر می‌سازد تا لایه‌های پنهان و تعاملات پیچیده بین عوامل انسانی و غیرانسانی، گفتمان‌ها، و ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فضایی و زمانی را به طور همزمان بررسی کنند. در نهایت، تحلیل موقعیتی نه تنها یک ابزار برای توصیف واقعیت است، بلکه با آشکارسازی ساختارهای پنهان و روابط قدرت، به شناخت عمیق‌تر و انتقادی‌تر از پدیده‌های پیچیده کمک می‌کند (شیرینی و نادری، ۱۴۰۲). این روش با ارائه نقشه‌های بصری، نه تنها به شفافیت تحلیل می‌افزاید، بلکه بستری برای گفت‌وگو و تأمل جمعی در مورد موقعیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آتی خود، به ویژه در حوزه‌هایی که با پدیده‌های چندبعدی و پویا سروکار دارند، از ظرفیت‌های بی‌نظیر تحلیل موقعیتی بهره گیرند.

منابع

- انصاری زاده، فهیمه و فضل الهی قمشی، سیف اله، ۱۳۹۹، واکاوی پژوهش "تحلیل موقعیتی"، عیار پژوهش در علوم انسانی، سال یازدهم، ش ۲، ص ۹۹-۱۱۶.
- بابایی و دیگران، (۱۳۹۶)، تحلیل موقعیت به مثابه روشی برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی
- بامری، محمد و فضل الهی قمشی، سیف اله، ۱۴۰۱، تحلیل موقعیتی بررسی مدارس: مقاله مروری، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال پنجم، شماره ۵۳.
- پایا، علی، (۱۳۸۵)، «ابهام زدایی از منطق موقعیت» نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۸۵: ۲۶-۱
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی، ۱۳۹۵، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (رویکردی نو و کاربردی)، تهران، نگاه دانش.
- دلاور، علی، ۱۳۸۰، مبانی نظری و عملی در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد
- شیرینی، ناصر و نادری، سارا. (۱۴۰۲). تجربه همکاری بین مدرسه‌ای: تدوین یک نظریه داده بنیاد به شیوه تحلیل موقعیت. مجله مدیریتی و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۶، صفحه ۲۷-۴۷
- قاسم پور و همکاران، (۱۳۹۸)، واکاوی نظریه شناخت موقعیتی و نسبت آن باتربیت معلم. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی. دوره ۱۵، شماره ۱
- Clarke, A., ۲۰۰۵, *Situational Analysis-Grounded Theory After the Postmodern Turn*, Thousand, Oaks, California: Sage Publications.
- Group of Schools. London: Bloomsbury Academic:
- Middlewood, D., Abbott, L. & Robinson, S. (۲۰۱۸). *Collaborative School Leadership: Managing a*
- Mills, Jane, Bonner, Ann, & Francis, Karen, ۲۰۰۶, "The development of constructivist grounded theory", *International of qualitative methods*, N. ۵(۱), p. ۲۵-۳۵.
- Mathar, T. (۲۰۰۸, May). Review essay: Making a mess with Situational Analysis?. In *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research* (Vol. ۹, No.